

این فایل PDF شامل هر دو جلد کتاب بوده و تمامی فصل‌ها، بخش‌ها و پیوست‌ها را به صورت یک جا در قالب یک نسخه‌ی یکپارچه ارائه می‌دهد. هدف از تهیه‌ی این نسخه، دسترسی آسان‌تر خوانندگان به مجموعه‌ی صفحات آغازین کتاب و امکان مطالعه‌ی آن است. ساختار کتاب دقیقاً مطابق با نسخه‌ی اصلی هر دو جلد بوده و هیچ تغییری در محتوای آن ایجاد نشده است.

سخن ناشر

با وقوع انقلاب شکوهمند اسلامی، فضای نوینی در عرصه دانش‌های مختلف حوزوی و دانشگاهی گشوده شد. نگاه جدید فراهم آمده از بستر انقلاب از یک سو و تهاجم تمدنی غرب به ارکان فرهنگ اسلامی و به چالش کشیدن آن‌ها از سوی دیگر در این امر سهم بسزایی داشتند. در چنین فضایی نیاز به دانش به عنوان موتور پیش‌ران تمدن و فرهنگ به صورت جدی احساس می‌شد. این امر باعث شد پرداخت به دانش، گسترش کمی و کیفی پیدا کند؛ گسترشی که با فضای قبل از انقلاب به هیچ‌روی قابل مقایسه نبود. در زمانه کنونی نیز هر چند این گسترش ادامه دارد اما هنوز فاصله جدی میان نیازها و عرصه دانش پاسخگو وجود دارد. بدین سبب روی آوردن به دانش‌ها و تلاش برای بسط و امتداد آن‌ها به شیوه‌های متعدد از جمله ضرورت‌های عصر کنونی در محیط دانش است. روشن است این ضرورت درباره دانش‌های بنیادین و مادر، دوچندان است و همت و عزم مضاعفی را در میان عالمان آن‌ها می‌طلبد.

دانش فلسفه که از دانش‌های بنیادین و بلکه بنیادین‌ترین آن‌هاست، از امور پیش‌گفته مستثنا نیست و باید برای شیوه‌های مختلف گسترش این دانش در لایه‌های متعدد آن، اقدامات درخور صورت گیرد. از جمله این اقدامات، تلاش برای نشر این دانش و دانش‌های همسو و مرتبط با آن در لایه‌های مختلف آن است.

از این رو انتشارات آل‌احمد عالمگیری بر خود لازم می‌داند که در حد امکان و قدر وسع، زمینه نشر و گستراندن دانش فلسفه و دانش‌های مرتبط با آن را در دستور کار خویش قرار دهد. به توفیق الهی این کار چند سالی است که از طریق ارتباط با مؤسسه آموزشی پژوهشی نفحات فراهم آمده و کتاب پیش‌رو گامی مبارک در پیشبرد این هدف است. امید است این روند رو به رشد و فزونی باشد و بتواند خدمت کوچکی در راستای تحقق اهداف و آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی باشد.

انتشارات آل‌احمد عالمگیری بر خود لازم می‌داند از فیلسوف متأله، استاد گرانقدر، حضرت آیت‌الله سید یدالله یزدان‌پناه رحمته‌الله که این کتاب محصول بیان ایشان بوده و نیز از فاضل ارجمند، حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر رضا درگاهی فرزند که تدوین و نگارش اثر بر عهده ایشان بوده است، تشکر و قدرنمایی نماید. همچنین لازم می‌داند از مؤسسه آموزشی پژوهشی نفحات که در آماده‌سازی اثر برای نشر زحمات فراوانی را متحمل شدند، کمال تشکر را به عمل آورد.

علی رستمی

مدیر انتشارات آل‌احمد عالمگیری

سخن مؤسسه آموزشی پژوهشی نفحات

فلسفه اسلامی به عنوان یک دانش مستقل در فرهنگ و زیست بوم مسلمانان از حدود ۱۲ قرن پیش جوانه زد و در یک روند تدریجی بالیدن گرفت و در کنار همه فراز و فرودهای تاریخی، توانست کمابیش نقش و سهم اساسی خود را در منظومه دانش های اسلامی و نیز در بارورسازی عقلانیت فرهنگی ایفا کند. این دانش اکنون همچون درختی تنومند و ریشه دار است که به ثمر نشسته است و دانش های اسلامی تا حدی از آن بهره مند گشته اند و امید می رود در سایه سار آن فرهنگ جامعه اسلامی هر چه بیشتر از عنصر عقلانیت و معنویت متلائم بهره مند گردد.

هرچند نگاه کلان و درجه دوم به این دانش همچون دیگر دانش های اسلامی در لابه لای پردازش های علمی اندیشمندان مسلمان مطرح بوده است، اما معمولاً این پرداخت ها اندک، محدود و پراکنده بوده و ساختار مستقل و منسجم به خود ندیده است. در دوران معاصر به دلایل متعدد تاریخی و دانشی، نگاه های کلان و درجه دومی به دانش ها ضرورت و اهمیت ویژه ای یافته است و عمدتاً این نگاه ها

در قالب فلسفه مضاف به دانش، خود را بروز داده است. بدین سان برخی تلاش‌ها و تأملات در حوزه فلسفه مضاف به دانش‌ها شکل گرفته است. در این میان، دانش فلسفه نیز از این سنخ تأملات بی‌بهره نبوده است.

اثر حاضر که محصول تأملات حکیم فرزانه و فیلسوف گران‌قدر، آیت‌الله استاد سیدیدالله یزدان‌پناه رحمته‌الله است، نیز از جمله تلاش‌ها برای پرداخت‌های تفصیلی و گسترده به مقوله فلسفه فلسفه اسلامی است که توانسته افق‌های نو و جدیدی در این زمینه به روی اندیشمندان و فلسفه‌آموزان بگشاید. این اثر، دفتر اول از تأملات مربوط به فلسفه فلسفه اسلامی است و در ادامه، دفترهای دیگری را نیز در پی دارد که به توفیق الهی به زودی منتشر خواهند شد.

اثر پیش‌رو قبلاً به همت مؤسسه فرهنگ و تمدن توحیدی و توسط انتشارات کتاب فردا منتشر شده بود. پس از بازبینی استاد گران‌قدر و نیز جناب حجت‌الاسلام دکتر درگاهی فر، برخی تغییرات محتوایی و نگارشی در آن اعمال شد. مؤسسه آموزشی پژوهشی نفحات از استاد گرامی که زحمت بازبینی اثر را کشیدند و نیز از دیگر گرامیان که به نحوی در انتشار دوباره اثر نقشی داشتند، کمال تشکر را دارد.

امید است انتشار این دست آثار بتواند زمینه‌ساز نگاه درست به دانش فلسفه اسلامی و نسبت آن با دیگر دانش‌ها و نیز جایگاه آن در تحول فرهنگ و ساخت تمدن نوین اسلامی باشد.

مهدی صداقت

معاون پژوهش مؤسسه آموزشی پژوهشی نفحات

سخن مؤسسه فرهنگ و تمدن توحیدی

تولید چرخه کامل دانش پشتیبان «تمدن سازی اسلامی» افزون بر تحقیقات «بنیادین» و نیز «کاربردی»، نیازمند تحقیقاتی در حوزه بازخوانی و نوآوری تراث اسلامی است. پژوهشکده تمدن توحیدی تلاش دارد بر پایه رسالت مشارکت در جریان تولید دانش در ساحت تمدن سازی اسلامی، قدمی مؤثر بردارد. گروه های تحقیقاتی این پژوهشکده براساس این سه دسته از تحقیقات تمدنی، شکل گرفته اند.

سنت رایج در مراکز پژوهشی، سفارش مقاله به دانش پژوهان جهت گردآوری و گاه نوآوری در قلمرو دانش است. گروه «مطالعات تراث اسلامی» در پژوهشکده تمدن توحیدی، به جای تمرکز بر این راهبرد رایج، کارگروهی با عنوان «دانش یار» جهت تدوین دروس خارج استادان برجسته و مجتهد فراهم آورده است. در این کارگروه شاگردان در مسیر توسعه توانمندی علمی خود به تدوین دروس خارج استاد می پردازند و از این رهگذر، این سرمایه علمی را به صورت مقاله یا کتاب در دسترس قرار می دهند.

بر اساس یکی از سنت های پژوهشی حوزه های علمیه، استادان مبرز، تحقیقات ارزشمند و تازه خود را در قالب دروس خارج (دوره های اجتهادی) با حضور دانش پژوهان سطوح عالی عرضه می کنند. دریغ که چنین تحقیقاتی به نگارش

در نمی‌آید و تنها در میان شاگردان حاضر در درس به اشتراک گذاشته می‌شود. تدوین این‌گونه پژوهش‌ها، موجب بهره‌مندی دیگر جویندگان دانش و پویایی اندیشه‌ورزی در میان عالمان می‌گردد و زمینه نقد و پیشرفت دانش را فراهم می‌آورد.

در راستای بازسازی سنت فحیم تقریرنویسی، کارگروه «دانش‌یار» به ارتقای روش‌های رایج در این سنت همت گماشته است. تقریرهای شاگردان گاه با کاستی نظرگاه تقریرنویس روبه‌روست. در این روش، مراحل پیاده‌سازی دقیق گفتار، حذف تکرارها و جابه‌جایی‌های بیانی، تبدیل متن گفتار به ادبیات نوشتاری، پاراگراف‌بندی، نمایه‌زنی، عنوان‌بندی، تطبیق مآخذ و کارهایی از این دست، با اندک تصرف‌های ضروری و با دقت و کوشش بر حفظ عین تعابیر استاد انجام می‌شود. البته همه این مراحل، با ویرایش و اعمال نظر مکرر استاد، همراه می‌شود. این فرایند بسی دشوارتر از نگارش مستقل مقاله یا تقریر است، اما مزیت انعکاس دقیق محتوا، این دشواری‌ها را هموار می‌کند.

کارگروه «دانش‌یار» با بذل عنایت حکیم فرزانه، استاد حجت‌الاسلام و المسلمین سیدیدالله یزدان‌پناه توفیق یافت در مسیر ارزشمند تدوین آثار ایشان به سهم خود گامی کوچک بردارد. معظم‌له سالیان درازی است در حوزه علمیه قم به پژوهش و تدریس اشتغال دارند. دروس ایشان علاوه بر تقریرهای نیرومند و عمیق از حکمت اسلامی، سرشار از نوآوری است. این کارگروه، زحمات حضرت استاد را، که با حوصله و دقت نظر، گروه تدوین‌گر را همراهی و متن نهایی را با دقت بررسی کردند، ارج می‌نهد. همچنین از کوشش حجت‌الاسلام و المسلمین درگاهی‌فر که در تدوین این اثر نقش برجسته‌ای داشتند و از مؤسسه «فرهنگ و تمدن توحیدی» برای پشتیبانی کامل مالی این اثر قدردانی می‌کند. کارگروه «دانش‌یار» امیدوار است دیگر آثار حضرت استاد نیز به‌زودی تدوین شود و در دسترس دوستانان حکمت اسلامی قرار گیرد.

کارگروه دانش‌یار

گروه مطالعات تراث اسلامی
پژوهشکده تمدن توحیدی

فهرست

۵	— سخن ناشر
۷	— سخن مؤسسه آموزشی پژوهشی نفحات
۹	— سخن مؤسسه فرهنگ و تمدن توحیدی
۱۷	— پیشگفتار

فصل اول

معیار بداهت تصویری در باب مفاهیم بدیهی

۲۸	— معیار بداهت مفاهیم از دیدگاه فیلسوفان مسلمان
۲۸	— دیدگاه ابن سینا
۳۲	— دیدگاه شیخ اشراق
۳۳	— دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی
۳۸	— دیدگاه ملاصدرا
۵۲	— دیدگاه علامه طباطبایی
۵۳	— دیدگاه استاد مصباح یزدی

۵۴	تحقیق در مسئله
۵۴	۱. مفاهیم جزئی برآمده از شهود
۵۶	۲. مفاهیم کلی
۶۴	۳. تعریف

فصل دوم

مؤلفه‌های معرفت یقینی

۷۸	خاستگاه بحث دربارهٔ صناعت برهان
۷۹	منظور از یقین
۸۱	مؤلفه‌های یقین
۸۱	دیدگاه افلاطون
۸۷	دیدگاه ارسطو
۸۸	دیدگاه فارابی
۹۰	دیدگاه ابن سینا
۹۵	دیدگاه خواجه نصیرالدین طوسی
۹۸	مقایسه میان دیدگاه ابن سینا و محقق طوسی
۱۰۰	بررسی مؤلفه‌های یقین و معرفت حقیقی

فصل سوم

شهود عقلی به مثابه پایهٔ فلسفه

۱۱۴	عقل به مثابه پایهٔ فلسفه
۱۱۶	پایه بودن شهود در کنار عقل
۱۱۷	حجیت ذاتی شهود
۱۱۹	شهود قابل استفاده در فلسفه
۱۲۲	درهم‌تنیدگی شهود و عقل

- ۱۲۳ — روند حصولی شدن شهود عقلی (استفاده از شهود عقلی در فلسفه)
- ۱۲۶ — فایده‌های شهود عقلی برای فلسفه

فصل چهارم

انواع کنش‌های عقل نظری

- ۱۳۵ — کنش‌های عقلی تحقق بخش علم یقینی
- ۱۳۵ — ۱. عقل اولی
- ۱۳۸ — ۲. عقل شهودی
- ۱۴۰ — عقل شهودی در دل شهود قلبی
- ۱۴۲ — عقل شهودی و عقل منور
- ۱۴۳ — فهم حضوری و شهودی
- ۱۴۵ — ۳. عقل تحلیلی
- ۱۴۸ — ۴. عقل کلی یاب
- ۱۵۵ — ۵. عقل توصیفی
- ۱۵۸ — ۶. عقل شبیه ساز
- ۱۵۸ — ۷. عقل استدلالی
- ۱۶۱ — ۸. عقل انسجام بخش
- ۱۶۲ — کنش‌های عقلی زمینه ساز علم یقینی
- ۱۶۲ — ۱. عقل پرسشگر
- ۱۶۳ — ۲. عقل احتمال دهنده
- ۱۶۴ — ۳. عقل نظریه پرداز
- ۱۶۴ — ۴. عقل تمثیلی
- ۱۶۵ — کنش‌های عقل جدلی
- ۱۶۵ — ۱. عقل عرفی
- ۱۶۵ — ۲. عقل نظریه پرداز
- ۱۶۶ — ۳. عقل تمثیلی

فصل پنجم

نوع برهان مورد استفاده در فلسفه

- ۱۶۹ — توضیحی درباره برهان لَمّی و اَتّی
- ۱۷۱ — برهان های اَتّی غیر یقینی
- ۱۷۵ — برهان اَتّی از راه لوازم
- ۱۷۹ — دیدگاه علامه طباطبایی درباره حضور برهان لَمّی در فلسفه
- ۱۸۰ — برخی نقدها بر دیدگاه علامه طباطبایی
- ۱۸۲ — توجیه دیدگاه علامه طباطبایی بر اساس مبانی ایشان
- ۱۸۸ — منظور از ملازمات عامه
- ۱۸۸ — بررسی و نقد دیدگاه علامه طباطبایی

فصل ششم

روش اشراقی به مثابه روش خاص حکمت متعالیه

- ۲۰۰ — روش خاص و روش عام
- ۲۰۳ — چیستی روش اشراقی
- ۲۰۴ — روش اشراقی در فلسفه ابن سینا
- ۲۰۶ — روش اشراقی در حکمت اشراق
- ۲۱۰ — روش اشراقی در حکمت متعالیه
- ۲۱۳ — چگونگی استفاده از شهود قلبی در فلسفه
- ۲۱۶ — فواید شهود قلبی برای فلسفه
- ۲۱۶ — ۱. ارائه تصویر صحیح
- ۲۲۲ — ۲. یافتن حد وسط برهان
- ۲۲۴ — ۳. هدایت عقل به نحو سلبی
- ۲۲۵ — ۴. هدایت عقل به گونه اثباتی

- ۲۲۷ — مبانی ملاصدرا در استفاده از روش اشراقی
- ۲۲۷ — ۱. توافق و عدم مخالفت عقل و شهود
- ۲۲۸ — ۲. قوت شهود و قصور عقل در شناخت حقایق بسیار غامض
- ۲۳۷ — ۳. قوام یافتن فلسفه با روش عقلی
- ۲۳۹ — عقل سلیم
- ۲۴۵ — تفاوت‌های فلسفه اولی با عرفان نظری
- ۲۴۷ — مدد‌رسانی حکمت متعالیه به عرفان نظری

فصل هفتم

بهره‌گیری از دین و عرفان نظری در فلسفه

- ۲۵۴ — منظور از دین و عرفان در این بحث
- ۲۵۵ — بهره‌گیری نادرست از دین و عرفان در فلسفه
- ۲۵۶ — علل ضرورت بهره‌گیری از دین و عرفان در فلسفه
- ۲۵۷ — ۱. هم‌افق بودن فلسفه اسلامی با دین و عرفان
- ۲۶۲ — ۲. برترین بودن هستی‌شناسی دینی
- ۲۶۹ — ۳. برتر بودن هستی‌شناسی عرفانی
- ۲۷۶ — ۴. وجود نقص‌هایی در کار عقلی
- ۲۷۸ — شیوه بهره‌گیری فیلسوف مسلمان از دین و عرفان در فلسفه
- ۲۸۶ — انواع بهره‌گیری فیلسوف از عرفان و دین
- ۲۸۶ — ۱. مسئله‌سازی
- ۲۸۸ — ۲. بسترسازی
- ۲۸۹ — ۳. ایجاد تصویر صحیح
- ۲۹۱ — ۴. استحصال حد وسط
- ۲۹۲ — ۵. استفاده از دین به مثابه میزان فلسفه
- ۲۹۴ — استفاده از دین و عرفان به سان روش عام حکمت متعالیه

۳۰۹	— رویکردهای رقیب در تحلیل روش حکمت متعالیه
۳۱۰	— ۱. مقام داوری و مقام گردآوری
۳۱۲	— ۲. تحقیق میان رشته‌ای
۳۱۴	— نکاتی درباره روش عام
۳۱۷	— تعاضد دین، عرفان و فلسفه
۳۱۹	— عقل دوره اسلامی
۳۲۸	— اسلامیت فلسفه اسلامی
۳۳۱	— نقش‌های عقل در فهم و تفسیر متن دینی
۳۳۲	— ۱. عقل فاهم
۳۳۲	الف) دریافتن فضای هستی‌شناسانه
۳۴۰	ب) استنباط
۳۴۲	ج) فهم لوازم بین
۳۴۳	د) جمع سالم میان متون دینی
۳۴۶	— ۲. عقل پایه‌ای
۳۴۹	— ۳. عقل نظام‌یاب
۳۵۰	— ۴. عقل اثباتگر
۳۵۱	— ضرورت کار فلسفی مستقل در کنار فهم فلسفی متون دینی
۳۵۷	— کتابنامه
۳۶۵	— نماینه
۳۶۷	— کتاب و مقاله
۳۷۱	— اشخاص
۳۷۵	— چکیده
۳۷۷	— الملخص
۳۷۸	— abstract

پیشگفتار

ستایش خداوند حکیمی را سزااست که براساس حکمت انسان را آفرید و به وی عقل را ارزانی کرد، و درود و سلام بر عقل کل، رسول خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، و بر خاندان پاک او عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. فلسفه به معنای مابعدالطبیعه، علمی است که به موجود از آن جهت که موجود است، می پردازد و خواهان دستیابی به حقایق موجودات است. طبیعی است برای کشف حقایق مرتبط با علم، باید از روش مناسب، که به اکتشاف بینجامد، بهره برد. روش علم فلسفه برای اکتشاف حقایق فلسفی، که حقایقی از منظر موجودیت بدون تقید به هر امر دیگرند، روش عقلی برهانی است.

دانش فلسفه یا مابعدالطبیعه و همچنین دانش های دیگر، با دسته ای از پرسش ها در باب حقیقت خود روبه رویند، که امروزه از آن با عنوان «فلسفه فلسفه» یا فلسفه هر علمی یاد می کنند. فلسفه هر علمی به مسائل درونی آن علم و بررسی صدق و کذب گزاره های درون آن نمی پردازد، بلکه به خود علم به سان امری عینی توجه می کند و در باب اینکه چنین علمی به مثابه دانشی نظام مند چگونه استوار می شود، به جست و جو و کاوش می پردازد. به بیان دیگر، فلسفه علم به خود علم،

به صورت درجهٔ دوم و فرامسئله‌ای نظر می‌کند و مذاقه‌هایی در باب علم دارد و پرسش‌هایی را به صورت پیشامسئله‌ای دربارهٔ علم به عنوان علم فراروی می‌نهد. پرسش‌هایی از این دست در فلسفه هر علمی مطرح‌اند: موضوع و محور بررسی و کاوش در آن علم چیست و آن علم دربارهٔ چه چیزی سخن می‌گوید؟ غایت آن علم چیست؟ روش ویژهٔ کاوش در آن علم کدام است؟ روش‌های عام علم چیست؟ آن علم از چه مبانی معرفت‌شناختی اساسی مرتبط با فلسفهٔ علم برخوردار است؟ گسترهٔ مسائل آن علم تا کجاست؟ نسبت آن علم با علوم دیگر چگونه است؟ ابزارهای مفهومی آن علم کدام‌اند؟ مبادی آغازین علم کدام است و چگونه تثبیت می‌شود؟ آن علم چه کارکردهایی دارد؟

روشن است که پرسش‌هایی از این دست، علم را از منظر بیرونی و فرامسئله‌ای بررسی می‌کنند و به صدق و کذب گزاره‌های علم، که منظری درونی و مسئله‌ای از سنخ مسائل علم است، نخواهند پرداخت. این پرسش‌ها، پرسش‌های کلان در باب هر علم‌اند که پاسخ بدانها موجب درک بهتر علم و پیشرفت در آن به لحاظ دستیابی به منطق و فضای کلان و نیز اجرای آن خواهد شد. طبیعتاً این امر به انضباط علمی بهتر در آن علم خواهد انجامید. بنابراین علم فلسفه به عنوان علمی نظام‌مند، با پرسش‌هایی این چنین روبه‌روست، که از مجموعهٔ آنها با عنوان «فلسفهٔ فلسفه» یاد می‌شود.

مباحث فلسفهٔ فلسفه را از منظری می‌توان به دو دستهٔ مسائل روشی و معرفت‌شناختی، و مسائل محتوایی تقسیم کرد. مباحث روشی و معرفت‌شناختی، ناظر به آن دسته نکات و تأملاتی‌اند که شیوهٔ بررسی و کاوش علم فلسفه و مبانی اساسی معرفت‌شناختی آن را بررسی می‌کنند، همچون روش خاص علم فلسفه، روش عام قابل استفاده در فلسفه و دسته‌ای از مباحث روشی مطلق مرتبط با مسائل فلسفهٔ فلسفه که در همهٔ علوم برهانی و به ویژه در فلسفه به کار می‌روند. ناگفته نماند که در این تقسیم‌بندی کلان، هرآنچه مضمون روشی چشمگیری در فلسفه دارد

نیز از مباحث روشی فلسفه فلسفه قلمداد می‌شود. بنابراین مباحث از مثال‌های یادشده گسترده‌تر خواهند بود.

مباحث محتوایی نیز ناظر به تحقیقاتی‌اند مرتبط با اموری در باب فلسفه که مضامین روشی و معرفت‌شناختی ندارند و یا چندان به لحاظ روشی و معرفت‌شناختی چشمگیر نیستند، مانند موضوع فلسفه، تعریف فلسفه، امکان فلسفه و ضرورت آن، مبادی آغازین فلسفه، کارکردهای فلسفه، گستره دانش فلسفه و مسائل آن و نسبت فلسفه با علوم دیگر.

در این دفتر از تأملات، به برخی مباحث روشی و معرفت‌شناختی فلسفه فلسفه خواهیم پرداخت. به خواست خداوند متعال، در دفترهای بعد پاره‌ای از مباحث محتوایی را مطرح خواهیم کرد. از آنجاکه فلسفه اسلامی، به ویژه حکمت متعالیه، که امروزه برجسته‌ترین مکتب در فلسفه اسلامی به شمار می‌آید، در بستر عقلانی ویژه‌ای بالیده است، مباحث و دل‌مشغولی‌های روشی و معرفت‌شناختی‌ای خاص خود دارد. از این رو سمت و سوی مباحث روشی این دفتر را به مباحث روشی و معرفت‌شناختی فلسفه فلسفه اسلامی اختصاص داده‌ایم.^۱ برخی مباحث روشی و معرفت‌شناختی فلسفه فلسفه اسلامی که اهمیت ویژه‌ای دارند و امکان بررسی آنها برای ما فراهم آمده است، عبارت‌اند از:

۱. معیار بدهت تصویری در مفاهیم بدیهی؛
۲. مؤلفه‌های معرفت‌یقینی بانگاهی به دیدگاه ابن‌سینا و محقق طوسی؛
۳. شهود عقلی به مثابه پایه فلسفه؛
۴. انواع کنش‌های عقل نظری؛

۱. گفتنی است برخی مباحث، مانند «شهود عقلی به مثابه پایه فلسفه»، پیشنهادی روشی از سوی این‌جانب برای غنای بیشتر فلسفه اسلامی است؛ چنان‌که در لابه‌لای مباحث پیش‌رو از این‌دست افزوده‌ها به چشم می‌خورد که در راستای غنا بخشیدن به فلسفه اسلامی مطرح شده‌اند.

۵. نوع برهان مورد استفاده در فلسفه؛

۶. روش اشراقی به مثابه روش خاص حکمت متعالیه؛

۷. بهره‌گیری از دین و عرفان نظری در فلسفه به سان روش عام (با تأکید بر

روش حکمت متعالیه صدرایی).

برخی مباحث را در عین اینکه باید در معرفت‌شناسی، به معنای دقیق آن، مطرح کرد، در مباحث فلسفه فلسفه نیز می‌توان کاوید؛ زیرا از مباحث پایه‌ای فلسفه فلسفه نیز هستند. همان‌گونه که بحث در حقیقت تجربه و واقع‌نمایی آن از مسائل معرفت‌شناسی است، در عین حال در فلسفه فیزیک یا فلسفه علم نیز باید بدان پرداخت و نمی‌توان از آن در فلسفه علم تجربی صرف نظر کرد.

در دانش منطوق در صناعت برهان، از بداهت مفهوم موضوع دانش فلسفه، یعنی موجود بما هو موجود، سخن گفته می‌شود؛ در عین حال این بحث از مباحث بسیار مهم فلسفه فلسفه است. در جای خود مبرهن است که فلسفه نسبت به علوم دیگر اعم‌العلوم و علم کلی است، و به‌طور طبیعی این امر با بداهت موضوع علم فلسفه، یعنی موجود، گره می‌خورد. بداهت مفهوم موجود به موضوع‌گیری دیگری وابسته است که در باب مفاهیم بدیهی باید صورت گیرد. از این‌رو مسئله معرفت‌شناختی معیار بداهت مفاهیم در تصورات را باید جزو مباحث فلسفه فلسفه اسلامی نیز قرار داد. ناگفته نماند که دانش معرفت‌شناسی امروزی تنها در بخش تصدیقات سخن می‌گوید؛ اما نظر حق این است که علم معرفت‌شناسی باید درباره تصورات و مفاهیم بدیهی تصویری نیز بحث کند. از این‌رو چنین مباحثی را نیز باید در دانش معرفت‌شناسی به معنای دقیق آن قرار داد.

در فلسفه فلسفه، اصل دانش فلسفه می‌باید تعریف گردد و به‌طور معمول در این تعریف، از «هستی‌شناسی عقلی برهانی» یاد می‌شود. همچنین در مبحث روش فلسفی، به برهان و روش عقلی اشاره می‌کنیم. روشن است که حل و فصل

این امور در فلسفه فلسفه، به ویژه فلسفه فلسفه اسلامی، بدون بحث درباره یقینی و مؤلفه های معرفت یقینی میسور نخواهد بود. هرچند کاوش در مؤلفه های معرفت یقینی و تصدیقات نفس الامری در علم معرفت شناسی جای می گیرد، از آنجاکه چپستی معرفت یقینی و مؤلفه های آن با تعریف فلسفه پیوندی وثیق دارد، می باید در این فلسفه مضاف، به ویژه در فلسفه فلسفه اسلامی نیز درباره آن کاوش کرد. از همین رو این دو بحث، یعنی معیار بدهت تصویری و مؤلفه های معرفت یقینی، در آغاز مباحث این دفتر از تأملات قرار گرفته اند.

از سویی، روش برهانی عقلی که فلسفه براساس آن سامان می یابد بر پایه هایی استوار است که عقل بر آن پایه ها کاویدن عقلی را آغاز می کند. در بیان مشهور، گاه به گونه ای سخن گفته می شود که روش عقلی برهانی در فلسفه تنها بر عقل اولی و ضروریات متکی است. اما به نظر می رسد شهود عقلی همگانی نیز پایه ای دیگر برای آن به شمار می آید. فصل سوم به این بحث می پردازد. روشن است که این مبحث نیز مضمون روشی چشمگیری را در فلسفه، به ویژه در فلسفه اسلامی رقم می زند.

از سوی دیگر، روش برهانی عقلی مفهوم دقیقی از نظر روشی و متدیک به همراه دارد. برای آنکه مفهوم دقیق روش عقلی در فلسفه بررسی شود، فصل چهارم را به بررسی انواع کنش های عقل نظری اختصاص داده ایم. این بحث مضمون روشی چشمگیری را در فلسفه در پی دارد که خواننده ارجمند نباید از آن غافل باشد.

از سوی سوم گاه گفته اند روش برهانی مورد استفاده در فلسفه، منحصر در برهان از راه ملازمات عامه است و برهان لمّ در فلسفه به کار نمی آید. چنین دیدگاهی خود می تواند موضوعی را در فلسفه فلسفه، در بخش روش شناسی فلسفه بیافریند. از این رو فصل پنجم را به بررسی این موضوع اختصاص داده ایم. از سوی چهارم، این پرسش در فضای روش عقلی برهانی فلسفه مطرح است

که آیا روش اشراقی می‌تواند در علم فلسفه راه یابد؟ اساساً روش شهود و اشراق قلبی اختصاصی، نه شهود عقلی همگانی، چگونه با روش عقلی برهانی جمع می‌شود؟ به ویژه آنکه حکمت اشراق و حکمت متعالیه در فلسفه اسلامی و فلسفه فلوطین در مکتب نوافلاطونی چنین داعیه‌ای دارند. این مسئله در فصل ششم با تأکید بر دیدگاه‌های حکمت متعالیه بررسی شده است. روشن است که نفی و اثبات این امر، از مباحث روشی مهم در فلسفه فلسفه اسلامی است.

از سوی پنجم، می‌توان پرسید آیا ممکن است از دین به سان هستی‌شناسی قدسی، و از عرفان نظری به عنوان هستی‌شناسی شهودی، در فلسفه بهره برد، باینکه روش فلسفه باید عقلی برهانی باشد؟ این پرسش را در فصل هفتم با مطرح کردن بحث روش عام، با تأکید بر روش حکمت متعالیه پاسخ گفته‌ایم. بحث روش عام نیز از مباحث مهم روشی در فلسفه فلسفه اسلامی است.

این هفت جستار بخشی از مباحث روشی و معرفت‌شناختی فلسفه فلسفه اسلامی‌اند. مباحث دیگری را نیز می‌توان در قلمرویی وسیع‌تر، نسبت به همه فلسفه‌ها، نه صرفاً فلسفه اسلامی بررسی کرد؛ مانند مسئله تعیین بخشی عقل به خود و انواع عقل‌های تعیین‌یافته، در عین هویت واحد عقل در ذات خود، که در مباحث روشی علم به صورت ویژه‌ای می‌تواند روشنی‌بخش باشد و ادبیات ویژه‌ای را در فلسفه فلسفه به معنای عام، پدید آورد. بررسی این مسئله می‌تواند به پرسش دیگری نیز بینجامد و آن، کیفیت ایجاد گفتمان میان انواع عقل و انواع فلسفه‌های تعیین‌یافته است که هم در مباحث روشی فلسفه تطبیقی مفید است و هم در مباحث روشی خود فلسفه فلسفه.

همچنین برخی مباحث معرفت‌شناسانه در سرانجام فلسفه و امکان فلسفه مؤثرند، مانند آنچه کانت یا پوزیتویست‌های منطقی و دیگران در این زمینه گفته‌اند. به گمان ما، بسیاری از آن مباحث در فلسفه فلسفه می‌گنجند، نه در خود فلسفه به معنای مابعدالطبیعه. همچنین آنچه برخی فیلسوفان غربی در باب انحصار

روش فلسفه در روش پدیدارشناسی گفته و روش استدلالی را نفی کرده‌اند، باید در فلسفه فلسفه بررسی شود. امیدواریم در دفترهای آتی از این تأملات، این مباحث نیز بررسی شوند.

چنان‌که بیان کردیم، آنچه در این تأملات آمده، برخی مباحث مرتبط با فلسفه فلسفه اسلامی است و تلاش و تصمیم بر ترتیب و تنظیم آنها به‌سان یک علم نبوده، که این کار نیازمند پدید آوردن اثری دیگر است. قصد ما در این دفتر از تأملات، بررسی برخی مباحث مهم دو حوزه روشی و معرفت‌شناختی و نیز مباحث مهم محتوایی از مسائل فلسفه فلسفه اسلامی است.

امیدوارم آنچه در این دفتر آمده، به لحاظ روشی و معرفت‌شناختی در پیشرفت مباحث فلسفه فلسفه اسلامی و نیز شناخت بهتر دانش فلسفه و مابعدالطبیعه، به‌ویژه فلسفه فلسفه اسلامی مؤثر افتد. تلاش بنده به جایی نرسد اگر توفیق دوست یار نباشد.

در پایان یادآور می‌شوم که آنچه در این دفتر به قلم آمده، حاصل بخشی از مباحثی است که در دروس خارج نه‌ایة الحکمة در سال تحصیلی ۹۲ - ۹۳ در حوزه علمیه قم به برخی از عزیزان طلبه القا شده است. فاضل ارجمند جناب آقای سلمان شریعتی، با دقتی تحسین‌برانگیز مباحث را از فایل‌های صوتی پیاده کرده، و سرور گران‌قدر، حجت‌الاسلام رضا درگاهی‌فر آنها را با تلاشی وافر تحقیق و نگارش کرده است و در این دوره جدید چاپ نیز موشکافانه به تصحیحات لازم پرداخته‌اند. بر خود لازم می‌دانم از زحمات بی‌شائبه ایشان تشکر کنم. نیز از مسئولان و دست‌اندرکاران مؤسسه فرهنگ و تمدن توحیدی (فتوت) به خاطر پشتیبانی‌های لازم تقدیر نمایم. پیش‌تر این کتاب توسط انتشارات فردا چاپ شده بود، اما تصمیم بر آن شد که این کتاب از سوی انتشارات آل‌احمد با تغییراتی اندک به بازار علم و معرفت عرضه گردد. لذا از انتشارات آل‌احمد که امکان چاپ و نشر مجدد آن را فراهم آوردند، صمیمانه

• تأملاتی در فلسفه فلسفه اسلامی •

سپاسگزاری می‌کنم. خداوند به همه این گرامیان عزت، سربلندی و نیک بختی
عطا فرماید.

آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

سیدیدالله یزدان پناه

آذر ۱۴۰۱

جلد دوم

سخن ناشر

با وقوع انقلاب شکوهمند اسلامی، فضای نوینی در عرصه دانش‌های مختلف حوزوی و دانشگاهی گشوده شد. نگاه جدید فراهم آمده از بستر انقلاب از یک سو و تهاجم تمدنی غرب به ارکان فرهنگ اسلامی و به چالش کشیدن آن‌ها از سوی دیگر در این امر سهم بسزایی داشتند. در چنین فضایی نیاز به دانش به عنوان موتور پیش‌ران تمدن و فرهنگ به صورت جدی احساس می‌شد. این امر باعث شد پرداخت به دانش، گسترش کمی و کیفی پیدا کند؛ گسترشی که با فضای قبل از انقلاب به هیچ‌روی قابل مقایسه نبود. در زمانه کنونی نیز هر چند این گسترش ادامه دارد اما هنوز فاصله جدی میان نیازها و عرصه دانش پاسخگو وجود دارد. بدین سبب روی آوردن به دانش‌ها و تلاش برای بسط و امتداد آن‌ها به شیوه‌های متعدد از جمله ضرورت‌های عصر کنونی در محیط دانش است. روشن است این ضرورت درباره دانش‌های بنیادین و مادر، دوچندان است و همت و عزم مضاعفی را در میان عالمان آن‌ها می‌طلبد.

دانش فلسفه که از دانش‌های بنیادین و بلکه بنیادین‌ترین آن‌هاست، از امور پیش‌گفته مستثنا نیست و باید برای شیوه‌های مختلف گسترش این دانش در لایه‌های متعدد آن، اقدامات درخور صورت گیرد. از جمله این اقدامات، تلاش برای نشر این دانش و دانش‌های همسو و مرتبط با آن در لایه‌های مختلف آن است.

از این رو انتشارات آل احمد علیه السلام بر خود لازم می‌داند که در حد امکان و قدر وسع، زمینه نشر و گستراندن دانش فلسفه و دانش‌های مرتبط با آن را در دستور کار خویش قرار دهد. به توفیق الهی این کار چند سالی است که از طریق ارتباط با مؤسسه آموزشی پژوهشی نفحات فراهم آمده و کتاب پیش‌رو گامی مبارک در پیشبرد این هدف است. امید است این روند رو به رشد و فزونی باشد و بتواند خدمت کوچکی در راستای تحقق اهداف و آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی باشد.

انتشارات آل احمد علیه السلام بر خود لازم می‌داند از فیلسوف متأله، استاد گرانقدر، حضرت آیت‌الله سید یدالله یزدان‌پناه رحمته الله علیه که این کتاب محصول بیان ایشان بوده و نیز از فاضل ارجمند، حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر رضا درگاهی فرزند که تدوین و نگارش اثر بر عهده ایشان بوده است، تشکر و قدردانی نماید. همچنین لازم می‌داند از مؤسسه آموزشی پژوهشی نفحات که در آماده‌سازی اثر برای نشر زحمات فراوانی را متحمل شدند، کمال تشکر را به عمل آورد.

علی رستمی

مدیر انتشارات آل احمد علیه السلام

سخن مؤسسه

فلسفه اسلامی به عنوان یک دانش مستقل در فرهنگ و زیست بوم مسلمانان از حدود ۱۲ قرن پیش جوانه زد و در یک روند تدریجی بالیدن گرفت و در کنار همه فراز و فرودهای تاریخی، توانست کمابیش نقش و سهم اساسی خود را در منظومه دانش‌های اسلامی و نیز در بارورسازی عقلانیت فرهنگی ایفا کند. این دانش اکنون همچون درختی تنومند و ریشه‌دار است که به ثمر نشسته است و دانش‌های اسلامی تا حدی از آن بهره‌مند گشته‌اند و امید می‌رود در سایه‌سار آن فرهنگ جامعه اسلامی هر چه بیشتر از عنصر عقلانیت و معنویت متلائم بهره‌مند گردد.

هرچند نگاه کلان و درجه دوم به این دانش همچون دیگر دانش‌های اسلامی در لابه‌لای پردازش‌های علمی اندیشمندان مسلمان مطرح بوده است، اما معمولاً این پرداخت‌ها اندک، محدود و پراکنده بوده و ساختار مستقل و منسجم به خود ندیده است. در دوران معاصر به دلایل متعدد تاریخی و دانشی، نگاه‌های کلان و درجه‌دومی به دانش‌ها ضرورت و اهمیت ویژه‌ای یافته است و عمدتاً این نگاه‌ها در قالب فلسفه مضاف به دانش، خود را بروز داده است. بدین سان برخی تلاش‌ها

و تأملات در حوزه فلسفه مضاف به دانش‌ها شکل گرفته است. در این میان، دانش فلسفه نیز از این سنخ تأملات بی‌بهره نبوده است.

اثر حاضر که محصول تأملات حکیم فرزانه و فیلسوف گرانقدر، استاد سیدیدالله یزدان‌پناه رحمته‌الله‌علیه است، نیز از جمله تلاش‌ها برای پرداخت‌های تفصیلی و گسترده به مقوله فلسفه فلسفه اسلامی است که توانسته افق‌های نو و جدیدی در این زمینه به روی اندیشمندان و فلسفه‌آموزان بگشاید. دفتر اول این مجموعه به مباحث معرفت‌شناختی و روش‌شناختی اختصاص یافته بود. این اثر، به عنوان دفتر دوم از تأملات مربوط به فلسفه فلسفه اسلامی به مباحث محتوایی در این زمینه پرداخته است.

امید است انتشار این دست‌آثار بتواند زمینه‌ساز نگاه درست به دانش فلسفه اسلامی و نسبت آن با دیگر دانش‌ها و نیز جایگاه آن در تحول فرهنگ و ساخت تمدن نوین اسلامی باشد.

مهدی صداقت

معاون پژوهش مؤسسه آموزشی پژوهشی نفحات

فهرست

۵	— سخن ناشر
۷	— سخن مؤسسه
۹	— فهرست تفصیلی
۱۵	— پیش گفتار

فصل اول

تبیین پیشینی از وجه نیاز به فلسفه

۲۵	— درآمد
۲۷	— ۱. تبیین فیلسوفان از وجه نیاز به فلسفه به گونه پیشینی
۴۱	— ۲. راه پیشینی دیگر برای تبیین وجه نیاز به علم فلسفه

فصل دوم

آغاز فلسفه با واقعیت بدیهی

۴۹	— درآمد
۵۰	— ۱. تثبیت واقعیت به مثابه موضوع فلسفه در آثار علامه طباطبایی

- ۵۷ — ۲. تبیین‌ها دربارهٔ بدهات واقعیت بیرون از خود
- ۵۷ — ۱-۲. بدهی فطری بودن واقعیت بیرون
- ۶۰ — ۲-۲. حصولی بودن علم به واقعیت بیرون
- ۶۳ — ۳-۲. حضوری بودن علم به واقعیت بیرون
- ۸۶ | ۲-۳-۱. تبیین حضوری بودن علم به واقعیت بر اساس «شهود عقلی»
- ۸۹ — ۴-۲. نقد برداشتی ناصواب
- ۹۲ — ۵-۲. چند نکته
- ۹۹ — ۳. تحلیل‌ها دربارهٔ بدهات مطلق واقعیت (واقعیه‌ما)
- ۹۹ — ۱-۳. بدهی اولی بودن مطلق واقعیت
- ۱۰۲ — ۲-۳. شهودی و حضوری بودن مطلق واقعیت

فصل سوم

مداقه‌هایی دربارهٔ موضوع فلسفهٔ اولی

- ۱۰۹ — درآمد
- ۱۱۰ — ۱. چیستی واقع بما هو واقع
- ۱۱۰ — ۱-۱. منظور از قید «بما هو واقع»
- ۱۲۱ — ۲-۱. منظور از «واقع»
- ۱۲۱ | ۱-۲-۱. «واقع» به معنای اعم از وجود و عدم و ماهیت
- ۱۲۲ | ۲-۲-۱. «واقع» به معنای موجود
- ۱۲۴ — ۲. بحث فلسفی دربارهٔ مصداق موجود، نه مفهوم آن
- ۱۲۶ — ۱-۲. تبعی بودن بحث دربارهٔ مفاهیم در فلسفه
- ۱۲۷ — ۲-۲. بحث دربارهٔ نحوهٔ وجود مفاهیم در فلسفه
- ۱۲۷ | ۱-۲-۲. وجود ذهنی
- ۱۲۸ | ۲-۲-۲. «مای حقیقیه»
- ۱۲۹ | ۳-۲-۲. نحوهٔ وجود امور منطقی
- ۱۳۳ — ۳-۲. خاصیت آینگی مفهوم

۱۳۵	۳- بحث دربارهٔ عدم در فلسفه
۱۳۵	۳-۱. دیدگاه علامه طباطبایی
۱۳۷	۳-۲. دیدگاه برگزیده
۱۴۱	۳-۳. جایگاه احکام عدم در فلسفهٔ اولی
۱۴۲	۴- اطلاق مقسمی موضوع فلسفه
۱۵۱	۵- مصداق نهایی موجود بما هو موجود
۱۵۶	۶- مروری بر چیستی و موضوع فلسفهٔ اولی در تاریخ فلسفه
۱۵۹	۶-۱. موضوع فلسفهٔ اولی در بیان افلاطون
۱۶۲	۶-۲. ارسطو و سامان بخشی به فلسفهٔ نخستین
۱۶۶	۶-۳. موضوع فلسفهٔ اولی و وجه نیاز بدان در بیان ارسطو
۱۷۸	۶-۴. چیستی و موضوع فلسفهٔ اولی در بیان فارابی
۱۹۳	۶-۵. چیستی و موضوع فلسفهٔ اولی در بیان ابن سینا
۲۰۴	۶-۶. چیستی و موضوع فلسفه در بیان ملاصدرا
۲۱۱	۶-۶-۱. پیشرفت‌های ملاصدرا در مسئلهٔ موضوع فلسفه

فصل چهارم

عوارض ذاتی موضوع علم فلسفه

۲۲۷	درآمد
۲۲۸	۱- دیدگاه مشهور در باب عرض ذاتی
۲۳۷	۲- دیدگاه علامه طباطبایی
۲۵۱	۳- بررسی دیدگاه علامه طباطبایی
۲۵۱	۳-۱. حمل مقوم موضوع بر آن
۲۵۴	۳-۲. قضایای فلسفی مرددهٔ المحمو
۲۵۶	۳-۳. محمول‌های ذاتی اخص
۲۶۶	۴- سنخ مسائل فلسفی و مرزهای واقعی آن‌ها

فصل پنجم

غایت دانش فلسفه و تفاوت آن با دانش کلام

- ۲۷۱ — درآمد
- ۲۷۲ — ۱. غایت فلسفهٔ اولی
- ۲۷۳ — ۲. تفاوت غایت فلسفه و کلام
- ۲۸۱ — ۳. کلام فلسفی

فصل ششم

نسبت فلسفه و علوم

- ۲۸۹ — درآمد
- ۲۹۱ — ۱. اعم و اعلی بودن دانش فلسفه
- ۲۹۴ — ۲. نسبت علوم و فلسفه
- ۲۹۷ — ۳. دیدگاه برگزیده دربارهٔ نسبت فلسفه با علوم
- ۲۹۹ — ۴. بررسی و نقد اندیشهٔ فلسفه به سان پادوی علوم
- ۳۰۴ — ۵. اهمیت تمدنی رابطهٔ سلسله مراتبی علوم

فصل هفتم

اصالی بودن دانش فلسفه

- ۳۰۹ — درآمد
- ۳۰۹ — ۱. علم اصالی و علم آلی
- ۳۱۲ — ۲. دیدگاه علامه طباطبایی
- ۳۱۵ — ۳. نقدی بر دیدگاه علامه
- ۳۱۶ — ۴. پاسخ به نقد

فصل هشتم

تقسیم حکمت به نظری و عملی و جایگاه فلسفهٔ اولی نسبت به حکمت عملی

- ۳۱۹ — درآمد
- ۳۲۰ — ۱. پیشینهٔ تقسیم حکمت به نظری و عملی
- ۳۲۲ — ۲. یقینی بودن فلسفه‌های نظری و عملی
- ۳۲۴ — ۳. «موجود» به مثابه موضوع تمام دانش‌های فلسفی
- ۳۲۶ — ۴. یقینی بودن حکمت عملی
- ۳۳۴ — ۵. ملاک‌های تقسیم حکمت به نظری و عملی
- ۳۳۴ — ۱-۵. بر اساس اقسام حقایق
- ۳۳۶ — ۲-۵. بر اساس محتوا
- ۳۳۷ — ۳-۵. بر اساس غایت
- ۳۴۸ — ۶. چرایی تقسیم حکمت به نظری و عملی
- ۳۵۰ — ۷. اقسام حکمت نظری
- ۳۵۲ — ۸. عقل نظری پایه و حکم‌کننده در حکمت عملی؛ تبیین ابن‌سینا
- ۳۵۶ — ۹. عقل عملی پایه و حکم‌کننده در حکمت عملی؛ دیدگاه برگزیده
- ۳۵۷ — ۱-۹. عقل معاش متعالی اسلامی
- ۳۵۸ — ۱۰. حکمت عملی به مثابه حکمت انسانی
- ۳۵۹ — ۱۱. اقسام حکمت عملی
- ۳۶۲ — ۱۲. حکمت عملی اسلامی
- ۳۶۹ — ۱۳. درک معنای کنش انسانی با شهود عقلی
- ۳۷۲ — ۱۴. معقول ثانی بودن معنای عمل
- ۳۷۴ — ۱۵. نفس الامر معنای عمل‌شناسانه و ارزش‌شناسانه
- ۳۷۵ — ۱۶. حضور معنا در ساحت جامعهٔ انسانی؛ هویت‌شناسی فرهنگ
- ۳۷۸ — ۱۷. جایگاه فلسفهٔ اولی نسبت به حکمت عملی

فصل نهم

امکان و تحقق فلسفه اسلامی

۳۸۵	درآمد
۳۸۹	۱. پرسش اسلامی بودن فلسفه اسلامی
۳۹۳	۲. امکان فلسفه اسلامی
۳۹۴	۱-۲. امکان بر اساس التزام به یافته‌های عقلی در باب اعتبار دین
۳۹۷	۲-۲. امکان بر اساس آغاز فلسفه با ایمان دینی
۳۹۷	۱-۲-۲. فلسفه‌ورزی با انگیزه تثبیت آموزه‌های دینی
۳۹۹	۲-۲-۲. فلسفه‌ورزی با انگیزه کشف واقع
۴۰۱	۳. امکان تحقق فلسفه‌های اسلامی گوناگون
۴۰۲	۴. نصاب اسلامی بودن فلسفه
۴۰۵	۵. فلسفه اسلامی در مقام تحقق
۴۰۹	کتابنامه
۴۱۷	چکیده

پیش‌گفتار

حمد و سپاس بی‌حد تنها از آن واقعیت مطلق واحد بلاعدد است، او که انسان و جهان را آفرید و با آفریدن انسان به خود لقب احسن الخالقین داد و او را بر کرسی خلافت نشانید. عقل و حکمت به وی عطا کرد و آن را خیر کثیر نامید. درود و سپاس بی‌شائبه بر سرور کائنات، فخر انبیاء، محمد ﷺ و خاندان طاهرینش.

همان‌گونه که در پیش‌گفتار دفتر اول یادآور شدیم، دانش فلسفه با دسته‌ای از پرسش‌ها در باب حقیقت خود روبه‌روست که امروز از آن با عنوان «فلسفه فلسفه» یاد می‌کنند. فلسفه فلسفه به خود فلسفه به صورت درجه دوم و فرامسئله‌ای نظر می‌کند و مدافقه‌هایی در باب علم فلسفه دارد و پرسش‌هایی چند را به صورت پیش‌امسئله‌ای درباره خود علم فلسفه پاسخ می‌دهد.

نیز گفته شد که مباحث فلسفه فلسفه را از منظری می‌توان به دو دسته مسائل روشی و معرفت‌شناختی، و مسائل محتوایی تقسیم کرد. برخی از مباحث معرفت‌شناختی و روش‌شناختی را در دفتر اول مورد کاوش قرار دادیم. اینک در دفتر دوم به مباحث محتوایی در باب علم فلسفه می‌پردازیم.

• تأملاتی در فلسفه فلسفه اسلامی •

مباحث محتوایی با شاکله کلان فلسفه مرتبط اند و مضامین روشی و معرفت شناختی ندارند، یا این مضامین در آنها چندان چشم گیر نیستند، مانند چیستی و ضرورت فلسفه و مبادی آغازین این علم، موضوع و گستره اش و نسبتش با دانش های دیگر.

در حقیقت مباحث محتوایی، حقیقت دانش فلسفه را از جوانب گوناگون بررسی می کنند؛ اینکه این علم به چه امری می پردازد و موضوع مورد بررسی در آن چیست؛ از کدام مبادی آغاز می شود و چه محدوده ای را مورد کاوش قرار می دهد؛ گستره اش کدام است؛ این علم چه دغدغه ای دارد و غایتش چیست؛ چه ضرورتی موجب می شود که این علم پدید آید؛ این دانش با دیگر دانش ها چه نسبتی دارد؛ و مسائل مرتبط دیگری، مانند اینکه آیا فلسفه اسلامی با داشتن قید «اسلامی»، هویت فلسفی خود را حفظ خواهد کرد یا نه، و اینکه اصلاً ترکیب فلسفه با اسلامی بودن ممکن است یا نه، و اگر ممکن است، آیا محقق شده است یا نه. در این دفتر در نه فصل به پرسش هایی از این دست پاسخ گفته ایم.

فصل نخست به ضرورت فلسفه و وجه نیاز بدان به صورت پیشینی می پردازد. فیلسوف باید به این پرسش پاسخ دهد که: چه ضرورتی برای پرداختن به علم فلسفه وجود دارد؟ به این پرسش هم می توان به صورت پسینی، یعنی پس از پدید آمدن علم فلسفه، و هم به صورت پیشینی، یعنی پیش از شکل گیری آن، توجه کرد و پاسخ گفت. در این فصل شیوه دوم را برگزیده ایم.

در فصل دوم مبدأ تصدیقی آغازین فلسفه را بررسی کرده ایم. فلسفه اولی با پذیرش واقعیت آغاز می شود. اینکه «واقعیتی هست» پایه تکاپوی فلسفی است، زیرا فلسفه هستی شناسی عقلی و برهانی است و تا هستی ای نباشد، علم فلسفه و کوشش فلسفی معنادار نخواهد بود. از این رو می باید این مبدأ تصدیقی آغازین فلسفه را به نحوی تثبیت کرد، و یا باید نشان داد که این تصدیق بدیهی است، و سپس وجه بداهت آن را بیان کرد. در این فصل هم به تثبیت و تبیین واقعیت

• پیش‌گفتار •

خارج از خود و هم واقعیت به‌عنوان مطلق واقعیت پرداخته‌ایم؛ راه‌های گوناگون این تثبیت و تبیین را فرادید آورده‌ایم تا فلسفه‌اولی از پایگاه محکمی آغاز گردد. تعریف دقیق فلسفه‌اولی و چیستی علم فلسفه بر حسب انضباط علمی یکی از مهمات بحث محتوایی است. به‌طور اجمالی و دقیق، فلسفه‌اولی «هستی‌شناسی عقلی و برهانی» است. برای آنکه مؤلفه‌های چنین تعریفی دقیقاً شکل بگیرند، نیازمند بررسی چند مسئله هستیم: موضوع علم فلسفه، عوارض ذاتی موضوع، غایت علم فلسفه (کشف واقع، آن‌گونه که هست) و روش برآمده از موضوع و غایت علم فلسفه، که روش عقلی و برهانی است. از روش عقلی و برهانی در دفتر اول به‌تفصیل سخن گفته‌ایم. درباره‌ی موضوع، عوارض و غایت در این دفتر سخن خواهیم گفت.

از این‌رو فصل سوم به بررسی موضوع فلسفه‌اولی، یعنی موجود بما هو موجود، اختصاص داده شده است. در باب این موضوع پرسش‌های متعددی مطرح‌اند که می‌باید بدان‌ها پرداخت، از جمله: اساساً قید «بما هو موجود» به چه نکته‌ای اشاره دارد؟ و بر این اساس، تمایز موضوع فلسفه با موجودهای خاص، که موضوعات دیگر دانش‌ها هستند، به چیست؟ آیا موجود و واقع، عدم را هم در بر می‌گیرد؟ مراد از موجود بما هو موجود، مصداق آن است یا مفهوم آن؟ مراد فیلسوفان از اینکه موضوع فلسفه «موجود مطلق» است، چیست؟ فصل سوم به پاسخ به این پرسش‌ها و مانند آنها می‌پردازد و به همین دلیل «مداقه‌هایی درباره‌ی موضوع فلسفه» نام گرفته است. نیز در پایان این فصل مروری بر چیستی و موضوع فلسفه‌اولی در تاریخ فلسفه داشته‌ایم تا همه‌ی سرمایه‌های موجود از فیلسوفان گذشته در این زمینه بتوانند راه‌گشا باشند. بررسی در باب موضوع فلسفه دقیقاً هویت فلسفه و مرکز ثقل آن را از منظر درجه‌دوم به چشم می‌آورد. بدین جهت باید با عنایت ویژه‌ای بدان پرداخت. از سویی باید یادآوری کرد که آنچه در فصل دوم آمده است، پیش‌نیاز مباحث فصل سوم به شمار می‌آید.

• تأملاتی در فلسفه فلسفه اسلامی •

در فصل چهارم به عوارض ذاتی موضوع فلسفه پرداخته‌ایم. سخن از عوارض ذاتی هر علم را کتاب برهان منطق عهده‌دار است، اما از منظر فلسفه فلسفه نیز به این مبحث نیاز می‌افتد. می‌باید دیدگاه‌های مختلف درباره این بحث را بررسی کرد و متناسب با علم فلسفه سامان مجددی بدان داد. در این فصل از این منظر به این مبحث پرداخته‌ایم. بر پایه آنچه در این فصل می‌آید، می‌توان مسائل فلسفی را سنخ‌شناسی کرد و فرق امتیازدهنده آنها را با مسائل علوم دیگر به رخ کشید. در حقیقت گستره مسائل فلسفه و مرز مسائل فلسفی را در این فصل باید جست‌وجو کرد. با مباحث این فصل می‌توان نشان داد که موضوع فلسفه (موجود بما هو موجود) چه سنخ مسائلی را بر خود می‌پذیرد و هویت راستین مسائل فلسفی چیست. بر اساس بحث‌های فصل‌های سوم و چهارم، مفاد «هستی‌شناسی» در تعریف فلسفه (هستی‌شناسی عقلی و برهانی) روشن و نمایان می‌شود.

فصل پنجم درباره غایت علم فلسفه است. در این فصل یادآوری می‌شود که فلسفه، به سان هر علم برهانی، علمی اکتشافی است و در پی کشف حقیقت است و غایتش رسیدن و نیل معرفتی است به واقع، آن‌گونه که هست. طبیعی است دانش فلسفه، که موضوعش موجود چونان موجود است، و عوارض ذاتی موضوعش حقایق فلسفی برآمده از این موضوع‌اند، در پی کشف حقیقت موجود چونان موجود و دست‌یابی به احکام و اقتضائات ذاتی آن است. چنین علمی با این‌گونه دغدغه و غایت، با علم کلام، که دغدغه مند اقتناع است، نه کشف واقع، متفاوت است. البته اشاره خواهیم کرد که با کوشش خواجه‌نصیرالدین طوسی کلامی فلسفی پدید آمده که به فلسفه نزدیک شده است.

باری، چنین غایتی برای فلسفه، که موضوعش موجود چونان موجود است، سبب شده است که فلسفه روش عقلی و برهانی را سرلوحه خود قرار دهد، که در دفتر اول بدان پرداختیم.

• پیش‌گفتار •

بر اساس مباحث سه فصل پیش‌گفته، شاکله کلان فلسفه، به لحاظ مؤلفه‌های درونی‌اش، رخ می‌نماید و حقیقت و هویت فلسفه به صورت منضبط و علمی آشکار می‌گردد. از سوی دیگر، برای پدیدار شدن شاکله کلان فلسفه به لحاظ بیرونی و در نسبت با علوم دیگر، می‌باید جایگاه فلسفه اولی را در ارتباط با دانش‌های دیگر بررسی کنیم، و نسبت آنها را با هم بسنجیم و تأثیر فلسفه را بر علوم دیگر بازکاوی کنیم. سه فصل بعدی (ششم تا هشتم) به این مسائل می‌پردازند.

فصل ششم به نسبت فلسفه با علوم دیگر توجه می‌کند. در این فصل فلسفه نسبت به علوم دیگر، علم اعلی و اعم و کلی دانسته می‌شود و با بررسی این ویژگی‌های فلسفه، جایگاه فلسفه نسبت به علوم دیگر تبیین می‌گردد. نیز تأکید می‌گردد که فلسفه اشرف العلوم است و بر این اساس تأثیر فلسفه بر علوم دیگر و شکل‌گیری طبقه‌بندی ویژه‌ای در دانش‌ها تبیین می‌شود. دیدگاه برگزیده درباره جایگاه فلسفه نسبت به دانش‌های دیگر، به حضور فلسفه پیش از علم مادون و پس از آن و حین تحقیق در آن، توجه می‌کند. بر این اساس، به اهمیت تمدنی طبقه‌بندی علوم نیز اشاره خواهد شد.

فصل هفتم با عنوان «اصالی بودن دانش فلسفه» بدین نکته اشارت می‌کند که فلسفه علمی آلی نیست که ابزار دانش‌های دیگر باشد. علم آلی، هویتی ابزاری دارد و این ابزاری بودن در موضوعش اخذ شده است. موضوع فلسفه این‌گونه نیست، پس دانشی ابزاری نخواهد بود. اصالی بودن فلسفه از این نکته خبر می‌دهد که فلسفه از سنخ دانش‌هایی است که خود مطلوب‌اند و برای علم دیگری خواسته نشده‌اند. مباحث این فصل نسبت سلبی فلسفه را با دیگر علوم مشخص می‌کند، یعنی اینکه نسبت میان فلسفه و دیگر علوم، نسبت ابزاری نیست، و فلسفه ابزار هیچ دانشی نیست.

فصل هشتم به طور ویژه به جایگاه فلسفه اولی نسبت به همه دانش‌های برهانی، با تمام گستردگی‌شان، به ویژه نسبت به حکمت عملی و شعبه‌های

• تأملاتی در فلسفه فلسفه اسلامی •

آن، می‌پردازد. در این فصل به حکمت عملی و برهانی بودنش نزد فیلسوفان، از فارابی تا ملاصدرا، توجهی ویژه شده و جایگاه فلسفه نسبت به حکمت عملی بیان شده است. در سدهٔ اخیر در برهانی بودن حکمت عملی مناقشات شده است که در جای خود باید بدان پرداخت. به نظر ما حق با فیلسوفان پیشین است و حکمت عملی دانشی برهانی است، که البته فلسفهٔ اولی نسبت بدان هم علم اعلی است و تمام آنچه در فصل ششم دربارهٔ نسبت فلسفه و علوم بیان کردیم، در حق حکمت عملی هم جاری‌اند، بلکه باید تأکید کرد که مباحث هستی‌شناسانه و انسان‌شناسانهٔ فلسفه از بنیادهای اساسی حکمت عملی هستند. به این مباحث - اگر خدا خواهد - باید در اثری مستقل بپردازیم. در این فصل به میزانی که می‌شد، اشاراتی در این باره داشته‌ایم و نیم‌نگاهی به حکمت عملی مغفول در سدهٔ اخیر انداخته‌ایم.

پس از توجه به مؤلفه‌های درونی و بیرونی شاکلهٔ کلی فلسفهٔ اولی، نوبت به بررسی مسئلهٔ دیگری می‌رسد که به تازگی در مورد فلسفهٔ اسلامی مطرح شده است و جزو مباحث محتوایی فلسفهٔ فلسفه قرار می‌گیرد. پرسش این است که آیا فلسفه می‌تواند و ممکن است که مقید به «اسلامی بودن» گردد؟ آیا اساساً تأکید بر اسلامی بودن فلسفه، با هویت فلسفه سازگار است؟

فصل نهم، با عنوان «امکان و تحقق فلسفهٔ اسلامی» به بررسی این مسئله و پاسخ به این پرسش اساسی می‌پردازد. در این فصل نشان می‌دهیم اسلامی بودن با هویت فلسفه سازگار است و فلسفه با همهٔ مؤلفه‌هایش، و همراه با انضباط‌های علمی و روشی‌اش، می‌تواند اسلامی باشد. افزون بر این، تحقق فلسفهٔ اسلامی، که تمام ضوابط فلسفی بودن بر آن صادق‌اند، خود گواه امکان چنان فلسفه‌ای است. از این رو نیم‌نگاهی نیز به تحقق فلسفهٔ اسلامی انداخته‌ایم. البته به بحث تحقق فلسفهٔ اسلامی به‌طور مفصل در جای خود پرداخته‌ایم.

آنچه در فصل‌های نُه‌گانهٔ این دفتر آمده است، تنها بخشی از مباحث

• پیش‌گفتار •

محتوایی است که در فلسفه فلسفه، به‌ویژه فلسفه فلسفه اسلامی، باید بدان پرداخت. در این دفتر تنها به برخی از مباحث مهم محتوایی پرداخته‌ایم و در صدد پدید آوردن اثری در فلسفه فلسفه به‌سان یک دانش با تمام جوانب آن نبوده‌ایم. به هر روی، از خداوند سبحان خواهانم این اثر فرهیختگان و فلسفه‌پژوهان را سودمند افتد.

امروزه مباحث مهم دیگری در باب فلسفه فلسفه مطرح‌اند که نیازمند بررسی همه‌جانبه آنها هستیم. به بخشی از آنها، که از سنخ معرفت‌شناسانه و روش‌شناسانه‌اند، در پیش‌گفتار دفتر اول اشاره کرده‌ایم، مانند تعیین بخشی عقل به خود، چگونگی ایجاد گفتمان میان انواع عقل و انواع فلسفه‌ها، امکان فلسفه و نیز نفی انحصار روش فلسفه در روش پدیدارشناسی. امیدوارم توفیق پرداختن به این مباحث در دفتری جداگانه برای اینجانب فراهم آید.

افزون بر اینها، به برخی مباحث روش‌شناسانه دیگر نیز باید پرداخت. مسئله امتداد فلسفه از مسائل بسیار بااهمیت فلسفه فلسفه است. از دل بحث‌های فصل ششم دفتر حاضر می‌توان اندیشه امتداد فلسفه را استحصال کرد، اما باید به‌طور مفصل و برآمده از بحث جایگاه علوم، به‌سان مبحثی روشی همراه با توصیه‌های تفصیلی، که به کار واقعیت و نیازهای امروز بیاید، در دفتری مستقل به این بحث پرداخت. در عصر کنونی نیاز به امتداد فلسفه بیش از پیش احساس شده است و می‌باید پاسخی درخور به این نیاز داد و راه‌کارهای عملیاتی برای آن به دست داد. از این رو به توفیق الهی در دفتر سوم فلسفه فلسفه به موضوع امتداد فلسفه خواهیم پرداخت و در پی آن، به مسئله لزوم نگاه راهبردی به فلسفه صدرایی در عصر کنونی اشاره خواهیم کرد. مسئله دیگری که در دفتر سوم باید بدان بپردازیم، مسئله بسیار مهم «علوم انسانی اسلامی» است، که نتیجه عملی و ادامه دو مسئله پیشین است. از خداوند منان توفیق عرضه و نشر دفتر سوم را خواهانم.

• تأملاتی در فلسفه فلسفه اسلامی •

هشت فصل نخست این دفتر برآمده از بخشی از مباحث دروس خارج نه‌ایة الحکمه در سال تحصیلی ۹۲-۹۳، و فصل نهم برگرفته از بخشی از دروس حکمت متعالیه در سال تحصیلی ۸۷-۸۸ در حوزه علمیه قم است. جناب حجت‌الاسلام رضا درگاهی‌فر با دقت و کوشش دوچندان این مباحث را تحقیق و نگارش کرده است. حضرت حجت‌الاسلام مهدی صداقت نیز در مؤسسه آموزشی پژوهشی نفحات با دلسوزی و دقت وافر پیگیر فراهم آمدن و به سرانجام رسیدن این دفتر بوده‌اند. هر دو عزیز بر اینجانب حق بزرگی دارند و از این رو بر این کمترین لازم است از ایشان سپاسگزاری ویژه داشته باشم و توفیقات روزافزون آن‌ها را از خداوند رحمان خواستارم. از دست‌اندرکاران مؤسسه نفحات برای پشتیبانی‌های لازم و از انتشارات آل‌احمد علیه‌السلام که چاپ و نشر این اثر را بر عهده گرفته است، صمیمانه تشکر می‌کنم. برای این گرامیان بهروزی و خوشی آرزومندم.

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین

سید یدالله یزدان‌پناه

۱۰ تیر ۱۴۰۲ برابر با ۱۲ ذی‌الحجه ۱۴۴۴